



• درآمد

از سال ۱۳۶۲ حکم ریاست دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران را دریافت کرد و تا آن زمان عضو هیئت علمی همین دانشگاه بود. وی با تاسیس دفتر فنی مهندسی در اهواز با همکاری استادان و دانشجویان همین دانشکده، طرحهای مورد نیاز برای ساخت بیمارستان و پادگان و برخی ساختمانهای دولتی را تهیه کرد. اداره بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس از بدو تاسیس آن در سال ۱۳۶۹ به فرمان مقام معظم رهبری، سرپرستی بنیاد شهید چمران، معاون فرهنگی ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و مشاور رئیس جمهور وقت از دیگر مشغله های وی بود. وی که اکثراً در کنار برادرش دکتر مصطفی چمران بود و پس از شهادت آن شهید بزرگوار هم اداره امور پشتیبانی جنگهای نامنظم و مسئولیت های سنگین تری در این بخش از فعالیت های جبهه و جنگ را برعهده داشت، در حال حاضر برای دومین دوره بی دربی به عنوان عضو شورای شهر تهران منشأ خدمات عدیده به مردم و شهروندان است.

■ « بنیاد شهید چمران و ابعاد متکثر وجود وی » در گفت و شنود

شاهد یاران با مهندس مهدی چمران

## انفجار قلب عاشق ...

به تظاهرات واشنگتن و آنجا اعتصاب غذا کردند. شبها از کنار جاده، از روی سنگ های ناهموار عبور می کردند و او برای همراهانش اشعار حافظ و نظامی و عطار را می خواند. نقل شده که یکی از چپگرایانی که همراه آنها بوده و به شعر و عرفان علاقه داشته، در همان حال به دکتر چمران می گوید: دوباره این اشعار را بخوان! می گویند تو که اهل این حرفها نبودی و نباید به این چیزها اعتقاد داشته باشی، گفته بود: نه بخوانید و بگذارید توی حال خودمان باشیم! به هر حال فطرت خداجویی در همه هست. حالت عرفانی شهید چمران بر همه حالات او در زندگی غلبه داشت.

در ماجرای ورود نیکسون به ایران در ۱۶ آذر هم که دکتر چمران آن زمان دانشجوی بوده، در تظاهرات ضد آمریکایی مجروح می شود؟

شهید چمران تحلیل گری بسیار قوی بود. تحلیلهای او بسیار زیبا و جالب بود. من می خواهم به بخشی از تحلیل های جالب او در اینجا اشاره ای بکنم. قبل از پیروزی انقلاب و بعد از ۱۷ شهریور، یک تحلیل بسیار زیبا و روانی از انقلاب اسلامی و وقایع بعد از پیروزی انقلاب داشت. حتی تحلیل می کرد که کشورهای شمالی ما از دامان کمونیست ها بیرون خواهند آمد و به اسلام گرایش پیدا خواهند کرد. آن موقع بحث فروپاشی شوروی اصلاً مطرح نبود. این تحلیل ها را ما در کتاب «بینش و نیایش» آورده ایم. درباره حمله عراق به ایران، تحلیلی دارد که آن زمان خیلی عجیب

تمام عمر برای کنفدراسیون انتخاب شد. او در سازماندهی و انسجام دادن به کارها کم نظیر بود. در مصر که بود تشکیلاتی به نام «سماح» به وجود آورد که بسیار مخفی و زیرزمینی بود. جالب این است که وقتی به مصر آمد و دو سال آنجا ماند، هیچ کدام از عوامل دولت آمریکا و ایران نفهمیدند که او در مصر است؛ نه ساواک، نه اف بی آی و نه سازمان سیا، تنها چند نفر از دوستان صمیمی او می دانستند که در مصر است. او اهل عرفان و اهل دل بود.

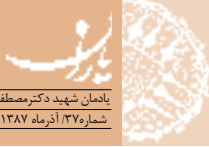
انجمن دانشجویان ایران و آمریکا، آن زمان دست اردشیر زاهدی بود و او آنجا را اداره می کرد. شهید چمران با یک تریبی آنجا را از دست عوامل حکومتی گرفت و تا زمانی که آنجا بود مسئول این انجمن بود و بعد هم که این انجمن کنفدراسیون شد، به صورت تمام عمر برای کنفدراسیون انتخاب شد.

آیا این صحت دارد زمانی که شاه می خواست به آمریکا برود شهید چمران در آمریکا راهپیمایی ۹۰ مایلی به طرف واشنگتن هم داشته است؟  
بله! دکتر چمران آنجا همه دانشجویان را جمع کرد و پیاده راه افتادند، یک هفته در راه بودند تا رسیدند

یکی از ویژگی های بارز شهید چمران این بود که علاقه و ارادتش را به کسانی که واقعاً دوست داشت، صمیمانه در گفتار و نوشتار منعکس می کرد. ایشان پیش از همه از چه کسانی الگو می گرفت؟  
من گاهی اوقات دست نوشته های شهید چمران را که نگاه می کنم، می بینم او واقعاً عاشق حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) بود، یعنی در تمام جاها، چه آمریکا، چه لبنان و چه ایران همه جا و همیشه عشق خودش را به آن بزرگواران خیلی زیبا و جالب بیان می کرد. نکته دیگر، جامع الاضداد بودن ایشان است که بسیار مهم است. شهید چمران در آمریکا انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تاسیس کرد، انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان آمریکا را هم بنیان گذاشت. البته مؤسس نبودند، انجمن اسلامی دانشجویان ایران و آمریکا از سال ۱۹۶۲ در دانشگاه ایلی نویز تاسیس شده بود. به هر حال آن را با کمک عده دیگری از دانشجویان کانادا، مصر و دانشجویان ایرانی گسترش دادند.

دکتر ابراهیم یزدی در تگزاس، انجمن اسلامی دانشجویان فارسی زبان را تشکیل دادند که توجه بیشتر آن به ایرانیها بود.

انجمن دانشجویان ایران و آمریکا، آن زمان دست اردشیر زاهدی بود و او آنجا را اداره می کرد. شهید چمران با یک تریبی آنجا را از دست عوامل حکومتی گرفت و تا زمانی که آنجا بود مسئول این انجمن بود و بعد هم که این انجمن کنفدراسیون شد، به صورت



دکتر چمران عکاس ماهری بود. اسلایدهای زیبا و جالبی از مناظر طبیعی لبنان و ایران گرفته - حدود ۶۰۰ اسلاید. عکس‌های خوبی هم از خرابی‌های لبنان و جنگ آنجا دارد و همین طور عکس‌هایی از جنگ ایران و عراق. تصمیم داریم انشاءالله آنها را چاپ و منتشر کنیم. شهید چمران غالباً دوربینش را همراه داشت. این دوربین مدتی در جبهه‌ها گم شده بود، اما بعد پیدا شد، یعنی بعد از شهادتش دوباره به دست ما رسید.

**لطفا درباره مدیریت و سازماندهی شهید چمران هم برایمان صحبت کنید.**

دکتر چمران فرمانده ورزیده‌ای بود. وقتی طرحی را ارائه می‌داد، خودش زیباتر و بهتر و زودتر از همه آن را اجرا می‌کرد و منتظر کسی نمی‌ماند. کلاه سبزه‌های آن دوره که در آمریکا و فرانسه دوره‌های خاصی دیده بودند، می‌گفتند ما فقط دکتر چمران را قبول داریم، چون می‌دانستند که او فرماندهی است که طرح را اجرا می‌کند. مثلاً در طی ۱۵ روز کل منطقه کردستان را آزاد کرد. کلاه سبزه‌ها آن چنان در مقابل دکتر چمران خاضع بودند که واقعاً برای من باور نکردنی بود. او در ارائه طرح‌های نظامی آن چنان دقیق بود که هیچ نکته‌ای را غفلت نمی‌کرد. شاید کروکی نقشه‌هایش را در کتاب لبنان دیده باشید که براساس طرحی خاص به اسرائیل حمله می‌کند و بعد از یک هفته اسرائیلی‌ها را از «بیت جبیر» بیرون می‌کند و متأسفانه این موضوع در تاریخ مهجور مانده است.

**ویژگی عمده و ممتاز شهید چمران در فرماندهی عملیات نظامی در چه اموری بیشتر جلوه داشت؟**  
یک ویژگی مهم شهید چمران، شجاعت و جنگ‌آوری او بود. اما جنگ‌آوری و شجاعت او، یک شجاعت و جنگ‌آوری بی حساب و کتاب نبود. اگر در عملیاتی دو نفر شهید می‌شدند، جدا ناراحت می‌شد و می‌گفت: چرا چنین شده؟ حتی در لحظه شهادتش، درست همان لحظه که دشمن شروع کرد به خمپاره زدن، بلافاصله فرمان نظامی داد که از دور او پراکنده شوند و از همدیگر فاصله بگیرند. دستور داد که همه فاصله ۱۵ متر را رعایت کنند و توی سنگرها بروند. تنها آن دو نفری که روی خاکریزها ایستاده بودند، شهید شدند.

اگر در آن لحظات، دکتر چمران این کار را نمی‌کرد، شهدای ما آنجا به ۳۰ یا شاید ۴۰ نفر می‌رسید. فکر می‌کنم آنجا ۸۰ یا ۹۰ نفر نیرو داشتیم و اکثراً هم دور او جمع بودند. اما با فرمان ایشان همه پراکنده شدند. سعی شهید چمران همیشه این بود که با کمترین خسارت، بزرگترین پیروزی‌ها را به دست بیاورد. مثلاً در فتح دهلاویه، تنها یک شهید دادیم. شب حمله را شروع می‌کنند، پل چریکی می‌زنند و از رودخانه رد می‌شوند و می‌آیند آن طرف را می‌گیرند و در دهلاویه مستقر می‌شوند.

**نقل شده است که شهید چمران از محبوب‌ترین دانشجویان دانشکده فنی بود. از این جهت این را عرض می‌کنم که آن زمان، گروه‌های سیاسی، نیروهای موسوم به جبهه ملی‌ها و توده‌ای‌ها در دانشکده فنی زیاد بودند. گویا طی یک سال**

### علاوه بر درگیری‌ها، دکتر چمران مطالعات ایدیولوژیک خوبی در زمینه کمونیسم و مسائل حزب توده و نظایر آن داشت و از تراوشات فکری آیت‌اله طالقانی هم که از ۱۴ - ۱۵ سالگی به درس تفسیر او می‌رفت استفاده می‌کرد.

**شهید چمران نزد استاد خاصی دوره خط و نقاشی دیده بود؟**

بله، استاد خط ایشان آقای «صانعی» بود. من هم شاگرد همان استاد بودم، ولی شهید چمران درس استاد را خوب آموخته بود و خوب می‌نوشت. استاد نقاشی‌اش هم مرحوم «ارژنگی» بود.

ارژنگی از شاگردان کمال الملک بود و در خیابان بوذرجمهری دفتری داشت و عصرها آنجا خط و نقاشی کار می‌کرد. ما هم می‌رفتیم آنجا و سرمشق می‌گرفتیم. در دارالفنون هم آقای ارژنگی استاد ما بود. نقاشی من هم خوب بود، ولی نه مثل دکتر چمران.

دکتر ارژنگی هم گاهی می‌گفتند چرا نقاشی تو مثل مصطفی نیست؟ اصولاً در خانواده ما، شهید چمران و عباس خطشان خوب بود، اما خط درشت شهید چمران چیز دیگری بود.

**نکته مهم این است که دکتر چمران با اینکه در رشته فنی تحصیل کرده بود و ظاهراً باید با عوالم هنری فاصله داشته باشد، اما با روحی لطیف، به خط و نقاشی و عکاسی و این گونه هنرها پرداخته، البته خطاطی ایشان نسبت به نقاشی پخته‌تر است. به نظر شما به علت آن، تمرین زیاد و درگیر بودن با ادبیات است که به هر حال قلم کتابت ایشان هم شیرین است؟**

بله. شنیده‌ام که شهید چمران عکس‌های زیبایی هم گرفته‌اند که هنوز منتشر نشده‌اند.



بود و بعد دیدیم که اتفاق افتاد! تحلیل‌های سیاسی او حتی برای کسانی مثل «یاسر عرفات» آن زمان مهم بود. از او مشورت می‌خواستند، اینها در دست نوشته‌های شهید چمران هست و می‌بینیم که چه تلاشی می‌کرده تا فلسطینی‌ها به راه‌های انحرافی نروند و از چپگرایی آنها را برحذر می‌داشتند، شهید چمران به مطالعات مذهبی هم علاقه‌مند بود و در این زمینه مطالعه داشت.

**به مدارس علوم دینی یا حوزوی هم رفته بودند؟**  
بله، دروس حوزوی را هم ایشان خوانده بود و بعداً مرا هم به آنجا برد. ما می‌رفتیم و جامع المقدمات و چیزهای دیگر را می‌خواندیم.

**زمانی که دکتر چمران در آمریکا اقامت داشت، مکاتباتی هم با شما و خانواده داشتند؟**  
بله، با ما مکاتبه داشت و از ما می‌خواست برایش کتاب بفرستیم.

**بیشتر چه کتابهایی را می‌فرستادید؟**  
کتابهای آقای مطهری، آیت الله صدر و کتابهای دیگری که در قم منتشر می‌شد و اینها بهترین هدایایی بود که برایش به آمریکا می‌فرستادیم.

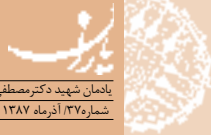
**شهید چمران در بعد هنری هم یک هنرمند برجسته بود. هم زیبا می‌نوشت و هم زیبا سخن می‌گفت. سر این دلنشینی را چه می‌بینید؟**

این دلنشینی به خاطر بیان روان و ساده و آرامشی بود که در کلام او بود. آن عرفان درونی‌اش باعث می‌شد که سخن او به دل بنشیند. نفوذ کلام او به خاطر همان حالت خاص او بود که واقعاً با خلوص توأم بود و گفتارش را دلنشین می‌کرد.

**دعای کمیل را هم در آمریکا با کمک مرحوم دکتر عباس چمران ترجمه کرده بودند.**

در آمریکا شبهای جمعه دعای کمیل می‌خواندند و وقتی متوجه می‌شوند که بعضی‌ها معنی آن را نمی‌دانند با کمک دکتر عباس چمران آن را به زبان فارسی ترجمه می‌کنند و مقدمه‌ای هم با خط درشت زیبا بر آن می‌نویسند که خیلی جالب است و تصمیم داریم آن را به زودی با همان مقدمه ایشان منتشر کنیم.





### نظری دارید؟

من قبل از اینکه وارد بحث شوم در رابطه با جریان ملی شدن صنعت نفت، شما فرمودید ملی شدن صنعت نفت به نهضت آزادی انجامید در حالیکه اینها ارتباطی به هم ندارند. ملی مذهبی‌ها که چند سال پیش شروع شد اما ملی شدن صنعت نفت مربوط به سال ۱۳۲۹ است.

### من جریان فکری را عرض کردم.

من هم همان جریان را می‌گویم. یعنی جریان ملی شدن صنعت نفت فقط بازرگان نبوده است. اصل برنامه دکتر مصدق و آیت‌اله کاشانی بودند. یکی از افراد هم ایشان بود. خیلی‌های دیگر هم حضور داشتند.

چیزی که بازرگان بعنوان نهضت ملی شروع کرد بعد از سال ۴۰ است. من بین این دو ارتباطی نمی‌دانم. در جریان ملی شدن آقای شمس قنات‌آبادی هم بود که اصلاً ارتباطی با این موضوعات نداشتند. فدائیان اسلام هم بودند. خواهش من این است که این دو مقوله از هم تفکیک شود. جریان ملی شدن صنعت نفت حرکتی بود که مجلس و دولت به گونه‌ای مجبور شدند این حرکت را بپذیرند و مجلس بتواند به او رأی اعتماد بدهد و او بعنوان نخست‌وزیر انتخاب شود. او برای ملی شدن تلاش‌های بعدی را انجام داد. فعالیت‌های دکتر چمران در این زمینه فعالیت‌های اجتماعی بود. او یک دانش‌آموز سال‌های آخر دبیرستان بود. منتها حرکت‌هایی که آن موقع صورت می‌پذیرفت از دو سوی قابل دقت بود، یکی کسانی که موافق ملی شدن صنعت نفت بودند و یکی گروهی هم که دار و دسته دربار و شاه و عوامل وابسته به آنها بودند و به دلایل مختلف با ملی شدن موافق نبودند، حتی رزم آرا گفته بود ما یک لوله‌هنگ نمی‌توانیم بسازیم حالا بیاییم صنعت نفت را ملی کنیم و اداره کنیم. با این دیدگاه جلو آمدند.

گروه دیگری هم که موافق بودند ولی از درون ضربه می‌زدند حزب توده بود. حزب توده موافق ملی شدن صنعت نفت جنوب بود، نه نفت شمال، یعنی در ملی شدن صنعت نفت مخلوط می‌شدند اما در شعارها می‌نوشتند نفت جنوب باید ملی شود. دقیقاً شعارهای آن دوره خاطرم هست. شعار آن زمان این بود که صنعت نفت در سراسر کشور باید ملی شود. خاطرم هست ما روی پارچه‌ها می‌نوشتیم. با دکتر چمران چون خطش خوب بود با قلم‌های کپی که مثل مداد جوهری بود این شعار را می‌نوشتیم. دکتر چمران هم دانش‌آموز سال‌های آخر دبیرستان بود در این درگیری‌ها و بحث‌ها به شدت حضور داشت. اینها را می‌نوشت ما هم کمکش می‌کردیم بعد به مردم هدیه می‌دادیم آنها روی سینه‌هاشان نصب می‌کردند.

حرکت دیگری را که فکر می‌کنم باز هم مصطفی چمران مبدعش بود یک طومار بزرگ پارچه‌ای بود که بالایش با خط خوب نوشت همین که صنعت نفت باید ملی شود و ما از آن... و از مصدق و کاشانی و دیگران حمایت می‌کنیم. از مجلس شورای ملی (آن‌موقع) می‌خواهیم که این قانون را به تصویب برساند. چون در اختیار گروه‌هایی بودند که مخالف

### باقیمانده از ایشان بگوئید؟

اگر به دقت به این تابلوها نگاه کنید، متوجه می‌شوید که همه چیز در حالتی مستدیر و منحنی و بدون گوشه و زاویه است، همه چیز حالت آیرودینامیکی دارد و می‌تواند سریع فضاها را طی کند. یکی از نقاشی‌ها که حالا سمبل لبنان شده در آنجا مانده است. تابلوی دیگر یک قلب است. قلبی که از فشار درونی، نزدیک به انفجار است. شهید چمران زیر این تابلو نوشته است: «انفجار قلب». این قلب، قلب انسانی است که از فشار دردها و ناراحتی‌ها می‌خواهد مثل یک «بمب» منفجر شود.

### به جز این شش تابلو، تابلوهای دیگری هم از شهید چمران باقی مانده؟

تابلوها بیشتر از اینهاست، طرح‌های زیادی کرده که این شش تابلو را تمام کند و به نمایش بگذارد.

در یکی از این تابلوها «خانه کعبه» تصویر شده است. عنوان این اثر «انفجار نور و سقوط بنتها» است و اشاره به روزی دارد که پیامبر اسلام دستور دادند که بنتها را از خانه کعبه بیرون بریزند. شهید چمران به تبعیت از امام می‌فرمود: انقلاب ما انفجار نور است. خانم غاده چمران در خاطرات خودشان درباره تقویمی صحبت کرده‌اند که در لبنان، قبل از ازدواج با شهید چمران دیده‌اند. آن تقویم دارای ۱۲ برگ بوده و بر هر برگ شهید چمران یک تابلو نقاشی مفهومی کشیده و در زیر هر تابلو هم جمله شاعرانه و زیبایی به زبان عربی نوشته بود.



تحصیلی یکی از دانشجویان از دانشجویان سال اول و سال‌های بالاتر نظرخواهی کرده بود. با این عنوان که «بهترین دوست شما کیست؟» یک نوع رای‌گیری بود. درست است؟

بله! آنجا دکتر چمران بیشترین رای را آورد. رفتار او طوری بود که حتی کسانی که از نظر فکری با او مخالف بودند، او را به عنوان بهترین دوست خودشان دانسته بودند. شخصی بود که همه او را دوست داشتند.

نکته‌ای مهم در زندگی شهید چمران وجود دارد و آن اینکه برخی از نیایش‌های ایشان در شرایط دشوار مرگ و زندگی، در سوسنگرد و در آن میدان کارزار و بحبوحه خطر نوشته شده. در چنین شرایطی اصلاً کسی فکر نمی‌کند بشود در آن اوضاع نیایش کرد یا نیایش نوشت. اگر چنین است بخشی از آن‌ها را بر ایمان می‌خوانید؟

بله همین طور است. بد نیست برای اینکه این بحث را کمی مستندتر کنم، چند دست نوشته ایشان را که در همان شرایط دشوار نوشته شده، برایتان بخوانم. یکی از آنها این است:

خدایا تو می‌خواهی که ایمان مرا بسنجی، وفاداری مرا نسبت به خود ببینی، پایداری مرا در برابر شداید و مصائب تماشا کنی؟ تو می‌خواهی عشق مرا نسبت به خود ببینی، من مثل شمع می‌سوزم، تاروپود وجودم با عشق تو سرشته شده است. این قلب من است، بشکاف و ببین! ببین که سراپا می‌سوزد و از سوختن لذت می‌برم. تو می‌خواهی که ایمان مرا به خود بسنجی، ای خدای بزرگ، من فقط به خاطر این لحظه زنده‌ام، همه حیات خود را گذرانده‌ام، گذرانده‌ام تا برای چنان لحظه‌ای آماده شوم.

بعد دیگر شخصیت شهید چمران، هنرمند بودن ایشان است. کمی هم در مورد تابلوهای نقاشی

دکتر چمران فرمانده ورزیده‌ای بود. وقتی طرحی را ارائه می‌داد، خودش زیباتر و بهتر و زودتر از همه آن را اجرا می‌کرد و منتظر کسی نمی‌ماند. کلاه سبزه‌های آن دوره که معروف بود در آمریکا و فرانسه دوره‌های خاصی دیده بودند، می‌گفتند ما فقط دکتر چمران را قبول داریم، چون می‌دانستند که او فرماندهی است که طرح را اجرا می‌کند.

بله، آن نقاشی‌ها همه سیاه و سفید و در قطع کوچک بودند. کارهای بعدی شهید چمران جالب‌ترین. در زندگی ایشان چند فراز هست که کمتر به آنها پرداخته شده است. درباره زندگی‌نامه ایشان به هر حال همه اطلاع دارند یکی از آن فرازها پیوستن ایشان به جریان ملی شدن صنعت نفت از طریق مسجد هدایت است که بعدها به نهضت آزادی و ملی مذهبی‌ها مشهور شدند و تماس‌هایی است که ایشان با مجموعه دانشجویان خارج از کشور و انجمن اسلامی دانشجویان داشتند. در این باره چه

دیدار شهید چمران با آیت الله طالقانی



برای ادامه تحصیل به آمریکا برود آخرین جایی که رفت دیدار کند این بابویه، سر قبر شهدای سیام تیر بود و بعد هم امامزاده عبادا. سر قبر دانشجویانی بود که در دانشکده فنی بودند، بخصوص دو نفرشان که یکی از آنها شریعت رضوی و دیگری از دوستان نزدیک او بود که هر سه در کلاس بودند. آنجا آخرین جایی بود که برای خداحافظی و فاتحه خواندن رفته بود و فردای آن روز پرواز داشت.

در واقع راجع به ابعاد وجودی این بزرگوار بحث هست که در این فرصت نمی‌شود همه را بازگو کرد. تا جریان سیام تیر، در بیشتر مبارزات، ملیون و مذهبیون با هم و در یک مسیر بودند که بعد از سیام تیر آن انشعاق فکری پیش آمد و متأسفانه به جدایی و به کودتای ننگین ۲۸ مرداد انجامید که همه ضرر کردند. بعد از کودتا مبارزات زیرزمینی شروع شد که اسمش را نهضت مقاومت ملی گذاشتند. شاید آن چیزی که مد نظر شما بود این است. نهضت مقاومت ملی که شروع شد دکتر چمران به شدت تلاش می‌کرد و آنجا حضور داشت و درد انشگاه تهران بخش عمده‌ای از مبارزات نهضت ملی بر دوش او بود.

نشر و پخش نشریات دانشگاه بخصوص دانشکده فنی بر عهده او بود. تنظیم تظاهرات که آن موقع علیه کودتاگران و دولت وقت زیاد بود را هم تنظیم می‌کرد. در این مورد با بازرگان، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجانی ارتباط نزدیک داشت و این ارتباط هم از طریق دانشگاه بود هم از طریق مسجد هدایت و این سیستم مبارزات در نهضت مقاومت ملی امتداد داشت تا سال ۱۳۳۴ که دو سال بعد از کودتا بود که او از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و او یک سال و خورده‌ای در ایران کار کرد. چون شاگرد اول دانشکده فنی شد به همراه برادر دیگرش که او هم سال قبلش شاگرد اول شده بود با همین فاصله یک ساله به آمریکا برای ادامه تحصیل رفت. ■

**در بحث مستدل بسیار توانمند بود. بعد هم که به دانشگاه رفت تقریباً کسی در دانشگاه نبود که یارای مقاومت در مقابل منطق او را داشته باشد. البته بعد از ملی شدن صنعت نفت حادثه سیام تیر هم که رخ داد او یکی از فعالینی بود که مقابل مجلس شورای ملی و در سرچشمه در تظاهرات خونین آن روزها شرکت داشت.**

بودیم بدون اینکه از همدیگر خبر داشته باشیم. تک تک رفته بودیم. حتی جالب بود که پدرم آمده بود و مادرم نیز با حجاب کامل خودش در آن روز، آمده بود و در نزدیکی‌های سرچشمه دیده بود که پلیس در کوچی‌هایی پنهان شده که تظاهرکنندگان را به گلوله بیندند یا دستگیر کنند (آنروز تعداد زیادی کشته شدند).

مادرم می‌گفت: «دیدم خون جلوی چشم‌های این‌ها را گرفته، آدم صحت کردم که اینها برادران دینی شما هستند. چرا آنها را می‌کشید؟ یکی از این پلیس‌ها که وجدان آگاه‌تری داشت فریاد زد که مادر تو را هم می‌کشند از اینجا برو». جالب بود که من و برادرم همدیگر را در صحنه تظاهرات پیدا کردیم و بعد از ظهر به خانه برگشتیم و او در متن تظاهرات و کل جریان‌ها سیام تیر حضور داشت و بعد هم در جریان ۱۶ آذر. روزی هم که می‌خواست

ملی شدن بودند، بنابراین فشارهای مردمی خیلی مهم بود. آن موقع انتخابات به گونه‌ای بود که اشراف و قدرتمندان می‌توانستند نفوذ کنند و در مجلس نماینده شوند، به هر حال یک طومار بزرگ بود.

پدرم در خیابان ۱۵ خرداد - بوذرجمهری آن روزها - مغازه‌ای در ساختمانی مقابل خیابان پامان داشت که آن موقع بزرگ‌ترین ساختمان آن خیابان بود. چون مغازه در همکف بود، این طومار را به ستون مغازه آویزان کردیم که مردم می‌آمدند امضاء می‌کردند. ما می‌ایستادیم و مردم را دعوت می‌کردیم که آن را امضاء کنند و عده‌ای با خون خود آن را امضاء می‌کردند. یعنی دستشان را می‌بردند و با قلم خطاطی که در خون زده بودند امضاء می‌کردند. وقتی این طومار از امضاء و اسم پر شد آن را جمع کردیم و با یک نامه به مجلس شورای ملی رسماً تحویل دادند و در روزنامه و رادیو هم انعکاس خوبی پیدا کرد. کارهای دیگر ما شعار نویسی بود. او که خطش خوب بود حتی کوه که می‌رفتیم شعارهای ۱۰ - ۱۵ متری روی کوه می‌نوشت تا از فاصله دور هم دیده شود. دبیرستانی که دکتر چمران می‌رفت آن موقع دارالفنون بود و بعد به البرز رفت. در دبیرستان البرز هم، بچه‌ها بزرگ بودند و حوادث دانشگاه هم به آن جا کشیده می‌شد.

از حوادث دانشگاه درگیری ملیون با حزب توده بود. این درگیری‌ها و بز بزن‌ها راجع به تفکیک نفت شمال و جنوب بود که به دبیرستان هم می‌آمد. علاوه بر درگیری‌ها، دکتر چمران مطالعات ایدیولوژیک خوبی در زمینه کمونیسم و مسائل حزب توده و نظایر آن داشت و از تراوشات فکری آیت‌الله طالقانی هم که از ۱۴ - ۱۵ سالگی به درس تفسیر او می‌رفت استفاده می‌کرد. من هنوز کتاب‌های آن زمان او را دارم. مثلاً دکتر ازانسی را خوانده بود و سؤال‌اتش را مطرح می‌کرد که بتواند از روی آن و مستند به گفته‌های خود آنها به طرفداران حزب توده پاسخ بگوید. یعنی در بحث مستدل بسیار توانمند بود. بعد هم که به دانشگاه رفت تقریباً کسی در دانشگاه نبود که یارای مقاومت در مقابل منطق او را داشته باشد. البته بعد از ملی شدن صنعت نفت حادثه سیام تیر هم که رخ داد او یکی از فعالینی بود که مقابل مجلس شورای ملی و در سرچشمه در تظاهرات خونین آن روزها شرکت داشت و ما هم که برادران کوچک‌تر

